



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد.



۲۰۲۱/۰۸/۲۹

یونس نگاه

## شناخت ناچیز از مسایل افغانستان

دستگاه های استخباراتی ایران که تماس مستقیم با افغان ها دارند، احتمالاً آگاهترین مراجع ایرانی در مسایل افغانستان می باشند. در برخی صفحات و رسانه های دولتی ایران نوشته های خواندهام که نشانه‌هایی از شناخت مستقیم و عینی از مسایل افغانستان در آن‌ها دیده می‌شود. این مراجع به دلیل داشتن افرادی در داخل افغانستان و شبکه هایی از ارتباطات محلی از تحولات و وضعیت کشور ما شناخت دست اول دارند.

روشنفکران مخالف دولت، چپی‌های غرب نشین ایران اما تا جایی که من فرصت خواندن مقالات و شنیدن سخنان شان را داشته‌ام اکثراً دچار "توهم شناخت" از مسایل افغانستان اند. آنان از چشم رسانه های غربی به مسایل افغانستان می بینند، ارقام و اطلاعات عددی بسیاری را گردآوری کرده چیزهایی را سرهم می‌کنند که مخلوطی از تیوری‌هایی کتابی و اطلاعات ترجمه‌ای و دست چندم بوده به نتیجه‌گیری های نادرست منجر می شوند که ظاهر شسته و منظم دارند.

پاکستانی‌ها درین زمینه بسیار بهتر و مطلع‌تر از دوستان ایرانی می‌باشند. ایرانی‌های تحلیل‌گر حتی نام‌ها و اصطلاحات رایج افغانستان را درست خوانده و درک نمی‌توانند. مثلاً یکی از فعالان چپ که ظاهراً دومین کتابش را به تازگی در ارتباط به افغانستان نوشته است، تفاوت لویه جرگه و جرگه را نمی‌داند. تحلیل‌گر مشهور دیگری که مقالاتش این روزها حتی میان افغان ها در مورد وضعیت کشور ما دست به دست می شود، کرزی را مثل انگلیس‌ها کرزای و زلمی را زلمای می‌نویسد.

تعدادی ازین روشنفکران و قلم به دستان تفاوت پشتو و پشتون را نمی‌دانند، از تاریخ روشنفکری، دمکراسی خواهی کشور ما اطلاعات ابتدائی ندارند، نمی‌دانند مثلاً که فارسی دری زبان قوم نیست بلکه زبان شهر و بازار و دولت است. مثلاً آنان نمی‌دانند که پشتون‌ها بخش مهم و فعال فارسی زبانان کشور اند و دربار های پشتون ترویج دهنده زبان فارسی بوده اند، تعدادی زیادی از نویسندگان، سیاست‌مداران، مبارزان آزادی‌خواه و هنرمندان فارسی‌گوی کشور ما پشتون بوده اند. این ظرافت‌ها را اما پاکستانی‌ها بهتر از ایرانیان می‌دانند.

پیشنهاد من این است که دوستان ایرانی که در مسایل افغانستان تحلیل می‌نویسند غیر از منابع انگلیسی، فرانسوی، آلمانی و زبان های غربی دیگر گوشه چشمی به منابع داخل افغانستان هم داشته باشند، چند کتاب و تعدادی مقاله از منابع داخل افغانستان مطالعه کنند، با دوستان افغان شان تماس بگیرند و مقاله های روزنامه نگاران و تحلیل‌گران افغان را مرور کنند.

وقتی یک نویسنده ایرانی در مقاله طولانی‌اش افغان را افغانی، کرزی را کرزای، پشتون را پشتو بنویسد خواننده افغان نمی‌تواند به جدیت کار و صحت تحلیل او باور کند.

در افغانستان نیز تحلیل‌گرانی هستند که خامنه‌ای را خمینه‌ای می‌گویند و خاتمی را حاطمی می‌نویسند. ما می‌دانیم که این گروه از هموطنان ما چه درک معیوبی از کشور همسایه ما دارند و ذهن شان چقدر از اطلاعات ناقص پر شده است. مثلاً تعدادی از اینان که بسیار مخاطب و پیرو هم دارند، فکر می‌کنند هرکسی در ایران فارسی صحبت می‌کند شیعه متعصب است و اکثریت ساکنان ایران آدم های بنیادگرا بوده شب و روز برای صدور انقلاب شیعی دعا می‌کنند. از همین رو، تصور می‌کنیم همسایه‌ای که نام رئیس جمهور کشور ما را بلد نباشد، نام دو مجلس شورای ملی ما را اشتباه بنویسد، درک چندانی از وضعیت ما ندارد و تحلیل‌هایش پر از خطاست.

د پانو شمیره: له ۱ تر ۱

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولئ